

کھپان

معمولاً در روابط بین کشورها زمانی که یک رفتار سیاسی و نظامی پیش می‌آید، یک سیاست مهمی که امتحان راهبردی و متفکرین راهبردی دنبال می‌کنند، در سه راهی راهبردی ناشی از آن رقابت امنیتی، دو دهه گذشته، طی دو دهه گذشته، آن چیزی که در دوره‌های مختلف ریاست جمهوری آمریکا در قالب سیاست تحریم و فشار مشاهده می‌کردیم این بود که آمریکا در دوره‌های مختلف فازهای متفاوتی از سیاست فشار بر جمهوری اسلامی ایران و ملت ایران اعمال می‌شد. این نبود که با تغییر دولت‌ها از دموکرات به جمهوری خواه سیاست‌های فشار متوقف شود، بلکه به تدریج مراحل آن رقابت پیدا می‌کرد. مرحله از ابتدای انقلاب اسلامی سیاست فشار و تحریم بر ملت ایران شروع شد، اما از اواخر دهه ۹۰ میلادی در دولت کنتون، سیاست تحریم اقتصادی به‌صورت جدی مطرح شد و بعد از تحولات غرب آسیا در دوره بوش و حمله نظامی دولت آمریکا به کشورهای عراق و افغانستان فاز جدیدی شد.

می‌توانیم نقطه اوج و فاز اصلی آن را در دولت اوباما
عبارت کنیم که با عنوان سیاست تحریم فلج‌کننده
ذیل ملت ایران اعمال شد و بر قالب سیاست
حاکمتری در دولت ترامپ به اوج خود رسید؛ یعنی
سیاست تحریم فلج‌کننده دموکرات‌ها و سیاست فشار
حاکم فاشر جمهوری خواهان از یک جنس بود و هدف
این‌ها فشار همه‌جانبه بر اقتصاد ایران بود. در
این بار نیز فکر راهبردی این فشار اقتصادی بر جامعه و
ملت ایران از افزایش پیدا کند، موجب شورش و اعتراضات
عمومی با آثار راهبردی خواهد شد و ایران به‌احاط
راهبردی در مقابل آمریکا عقب‌نشینی نمی‌کند و به
ایالات متحده امتیازات راهبردی می‌دهد.

از نظر آمریکا، با سیاست فشار حاکمتری مبتنی
بر دو مفروض اساسی بود: یکی اینکه فشار علیه ایران
جواب می‌دهد و دوم اینکه فشار هزینه ندارد؛ یعنی
ایران نسبت به فشار پاسخ نمی‌دهد و هزینه‌ای برای
آمریکا ایجاد نمی‌کند. از نگاه آمریکا، با این فشار
است که موجب پدیدآمن تعامل و توافق می‌شود.

کلیذوآه جنگ ترکیبی که حمله چندی در ادبیات است که هیچ‌کس ندارد، از دو منظر حمله می‌شود: ابتدا اینکه ژانر وید به این جنگ از لایه‌های متنوع و همزمان ناسی از تنگنای راهبردی در کارکرد گزینه‌های محدود در جنگ می‌باشد و به‌کارگیرنده این نوع از جنگ ناچار است برای ارتقاء وضعیت، ابزارهای متنوع در موازنه قدرت و مواجهه را سرشته شده و بشکل همزمان از توانمندی‌های موجود بهره‌مند شود. دوم اینکه این قابلیت‌های مجزا در نزد به‌کارگیرنده لایه‌های مختلف جنگ ترکیبی، موجب ارتباط سطح و توانمندی ترکیبی، ناشأله از ناتوانی و عدم کارکرد تعیین‌کننده در جنگ با حریف، در لایه‌های مجزای جنگ است.

به همین علت، جنگ‌های کلاسیک نظامی به تدریج به سوی اس‌ا‌پی‌سی از مرحله‌ای از رشد در کلاس ابزارهای جنگ نظامی، به نظامی، به طرف عرصه‌های جنگ اقتصادی، جنگ اطلاعاتی، جنگ تبلیغاتی، جنگ سیاسی و دیپلماتیک، جنگ رسانه‌ای و عملیات روانی، جنگ سایبر، جنگ اطلاعاتی و جنگ نامتقارن و متکسی بر سر ابزار نوین در به کارگیری و استفاده از تکنیک‌ها و ابزارهای جنگی و جغرافیای عملیاتی جنگ درگذراند. امروز با به کارگیری ابعاد و ابعاد جدیدی در جنگی در منازعات و رقابت‌های منطقه‌ای از بی‌پایان‌گی شاهد گستره وسیعی از کارکرد جنگ ترکیبی هستیم که بنا به شرایط منازعه، یکی از همین ابعاد جنگی در اولویت قرار می‌گیرد. دیال و

[illegible]

با این حال، با وجود تمامی تلاش‌های مرکب رژیم صهیونیستی و جبهه حامیان صهیونیسم در غرب و بخشی از کشورهای منطقه، جمهوری اسلامی و جبهه مقاومت، عناصر انسانی، اعتمادبهنری، روحیه ملی و انقلابی و انگیزه‌های اعتقادی و دینی و باور مستحکم به حقانیت ارکان و مسیر مبارزه، ازجمله بارامترهایی است که در کنار ابزارهای نظامی و جنگی ناگهانی، به سبب یک مکتب جدید استراتژی و نظامی تبدیل شده، و راهبرد جنگ مرکب رژیم صهیونیستی و غرب را در محله چالش جدی روبرو ساخته و قدرت مقاومت را در هر مرحله بازآفریندگی کاملاً راسد قرار داده است.

روند تغییرسازی و تکامل ابزارری و تعمیق رزمی‌های اعتقادی و روحیه انقلابی در ۴۳ سال گذشته

یادداشتی درباره بیانات شکست یک سیاست

نکته دیگر اینکه تغییر سیاست فشار حاکماری فقط محدود به دوره امام نبود و در دولت باین هم عملاً دنبال شد. مثلاً در دولت پهلوی، در دوره‌های اعلام نیت، با مهندسان توافق طولانی‌تر و فوری‌تر با همین سه‌گانه و از طرف خودشان، تلاشی برای رفع تحریم‌ها نکردند. این مهندسان این بودند که با مذاکره با یکسری از ادارای ایستاده‌شده ایران، برنامه هسته‌ای ایران را به عقب برگرداندند. در دولت مکرر باین هم تلاشی شد که همان سیاست فشار حاکماری مورد بهره‌برداری قرار بگیرد و توصیه همه طراحان سیاسی ساخته‌شده ایران این بود که از آن چیزی که دولت سیاست استفاده کند، ولی خودشان به آن نتیجه‌ی رسیدند که این سیاست اشتباه است و دیدند که جمهوری اسلامی ایران فریب دولت مکرر نمی‌خورد، که ادبیات متفاوتی می‌خواهد صحبت کند. مثلاً این که باین‌ها تقویت روابط ارتباطی خود با کشورهای است که به کشورهای این کشورهایی که می‌شنوند، طلب‌های جدید قدرت بین المللی محسوب می‌شوند.

یادداشتی درباره بیانات رهبر انقلاب در دیدار اخیر

شکست

یک سیاست کهنه!

دکتر محمد جمشیدی

دکتر محمد جمشیدی

و گرایش عمومی جامعه هم به سمت سیاستمداران و دولت انقلابی است. آمریکایی‌ها عملاً به این باور رسیدند که آن سیاست‌ها شکست خورده است. وقتی

اثر سیاست فشار حداکثری به صورت معکوس در جامعه بروز کرد آنها به این نتیجه رسیدند و باره نسبت به این مسئله اعلام عمومی داشتند.

در بخش اول مفروض آن تفکر راهبردی
امریکایی‌ها مبنی بر این است که فشار خود می‌دهند و
ولی باعث شد امریکایی‌ها انتقاد کنند که عمل‌های
علیه ملت ایران جواب اندازه است؛ چرا ملت ایران
است که همه وعده‌های که دولت تندرو و افراطی
صهیونیست داده بود مبنی بر اینکه با فشار حاکم‌کر
مبنی بر ایران به اهدافی رسید پیدا خواهد کرد؛ دوشش
انتقاد کردند که هیچ کدام طبق شده است؛ یعنی
دولت ترابی وعده داده بود که در برپای سیاست
توافق پهنی از نظر امریکایی‌ها و ایران قبول می‌کنند



با به قول خودشان ایران برجام بزرگ‌تری را می‌پذیرش و در صورت عدم پذیرش، نظام با تهدید موجودیتش مواجه می‌شود که هیچ کدام از این‌ها محقق نشده‌اند.

آمریکایی‌ها انتظار داشتند که با جمهوری اسلامی در آفاق یک توافق حادثی که ضرر تلست می‌شود، قرارداد برنام‌های موسکی و منطقه‌ای را شامل شود. برنام می‌کند. آنها حتی دوره زمانی برنام را مطرح کردند که الآن حدود ده سال هست و بعد به چهار برنام افزایش پیدا کند؛ این محدودیت زمانی را بر آن‌ها حداقل به پنج سال برساند و در صورت عدم پیش‌برد و تسلیم با تهدید سرنگونی مواجه شود، ولی این‌ها محقق نشد. همچنین وعده می‌دادند که سیاست فشار باعث می‌شود که برنامه هسته‌ای ایران به‌صورت جدی متوقف شود. به قول خودشان نرم‌هسته‌ای جدی ایجاد کنند و این هم محقق نشد و برنام‌هسته‌ای ایران به‌صورت جدی پیش‌رفت

شاید همزمان وارد مذاکره و وسیع‌تری با چین شود که بر دامنه‌های مشترک و توانمندی‌های آمریکا و رژیم صهیونیستی اثرات اساسی خواهد داشت.

کاسته شدن از وزن و جایگاه آمریکا در نظام جهانی، به وجود جدیدی در مناسبات آمریکا با بسیاری از کشورها و شرایط خواهد آورد و تسلیح آمریکا در مقابل هژمون آمریکایی را با سوال مواجه می‌کند. رابرد حتمی و تکریمی علیه ایران از حیث رژیم کاسته می‌شود.

در همین راستا، روسیه که در سه دهه اخیر، عضو یا ناظر به کمتی چهار جانبه بین‌المللی فلسطین بوده، با توجه به شرایط جدید بین‌المللی و تنش‌های قابل پیش‌بینی در روابط روسیه و ایران، تصمیم‌های

مقاومت

عضوی فعال تبدیل و قطعا به رویکرد موازنه‌ساز در این کمیته و جابجاری از طرف فلسطینی متمایل خواهد بود. زده‌شانه‌های شکاف اول در مناقبته امنیتی روسیه و رژیم صهیونیستی، متوقف شدن امتیاز آسمان باز برای ایدئولوژی‌های رژیم صهیونیستی در فضای سوریه است که به بعد سیاسی و خدادهای فلسطین قایت در حوزه نژد است. همچنین، افزایش سطح رفاهیت در قبال نفوذ ایروسیه با آمریکا، می‌تواند بسیاری از نقاط تمرکز و اولویت آمریکا برای سلطه بر انرژی و ثروت‌های غرب آسیا را با چالش روبه‌رو کند. با اینکه ایجاد نیروی ویژه آمریکا در ۱۳۵۲، در دریای سرخ از سوی آمریکا و تعدادی از کشورهای منطقه، در بخشی از اهداف رژیم‌سازی برای رژیم صهیونیستی را دنبال می‌کند، اما آسیب‌پذیری گسترده آمریکا از سوی شبکه مقاومت منطقه‌ای، متوجه می‌شود تا سطح حمایتی آمریکا از این رژیم را متاثر نماید و این امر می‌تواند به سود لاسرئی صهیونیست‌هاست که میزان اعتماد به حمایت آمریکا، تاجه زمانی تا چه حدی قابل دریافت است؟

یکی دیگر از آثار جنگ اوکراین و پیامدهای آن، برجانی‌تر شدن اقتصاد آمریکا و غرب و تأثیر آن بر اقتصاد رژیم صهیونیستی است که شرایط دشوار امروز این رژیم را به نحوی‌های جدیدی مواجه می‌کند. به همین دلیل است که در شورای عالی امنیت ملی از افسران اطلاعاتی و بسیار معروف متراکب که اکنون مرکز بررسی‌های امنیت ملی رژیم صهیونیستی را اداره می‌کند، در توصیه‌های اضطراری به تفاللیان بین متعقد است که از روش‌های صهیونیستی نباید به اقدامات گسترده‌کننده در شرق و قدس و با پاسخ به قربان موشک از غزه، واکنش

با مقامات نظامی آمریکایی، این نیروها فعال تر شدند و با همکاری نیروهای امنیتی و اطلاعاتی ایالات متحده، در پی سرکشی و سرکشی‌های پومی که به‌دست آوردند، اراده ضربه زدن به منافع آمریکا را بیشتر پیدا کردند.

لذا این‌ها از نظر خود آمریکایی‌ها دلایل و شواهدی هستند مبنی بر اینکه سیاست فشار جواب نمی‌دهد؛ چون وعده‌های دولت تندروی آمریکا و خودداری از درگیری نظامی با ایران، به‌دست می‌آید و جمهوری اسلامی ایران نگاه می‌کند، هیچ کدام از وعده‌ها محقق نشد.

مفروض دوم این بود که فشار هزینه نادردهای جمهوری اسلامی در مقابل فشارهای آمریکا پاسخی نشان نمی‌دهد که این هم کاملاً بفرسند زمانه را. جمهوری اسلامی ایران سیاست مقاومت فعال را اتخاذ کرد و تصمیم راهبردی این شد که نسبت به سیاست‌های آمریکا لازم‌الامت و واکنش نشان داده شود. محاسبه آمریکایی‌ها غلط از آب درآمد. تبادل بهانه‌ها و مواضع کلامی در یک سال اول و بعد از آن به آمریکا از برجام یک نوع تفکری در وقت دولت حاکم بود مبنی بر صبر راهبردی در مقابل فشار و خروج آمریکا از برجام و اعمال فشارهای متعدد؛ بنوعی صبر راهبردی و عدم واکنش را پیگیری می‌کردند. بعد از سال اول، خروج آمریکا از برجام تقریباً از بهار سال ۱۳۹۸ تا می ۲۰۱۹ سیاست مقاومت فعال شروع شد که آمریکایی‌ها به اساس کردار ایران ادعا عملکردت و هوشمندی و مؤثر خود را در مقابل تهدیدهای آمریکا دارند و توانمندی‌هایش را این رستا سنج می‌کنند. این چیزی که اینجا اهمیت دارد این است که برخلاف تصور غربی‌ها، این سیاستی را که غربی‌ها انتظار داشتند ملت و جامعه ایران در قالب اعتراضات و راهپایزهای گفتمانی و سیاسی تمام را دنبال نکردند. رهبر انقلاب یکدنده قبلی نظام سیاسی را نگذاشت و به اقتضای شرایط به فکر شد که باید قدرت را به ملت ایران را انتقال کرد که با وجود فشارها و سختی‌ها نسبت به وحدت خود با نظام، تردیدی وجود ندارد و شاید این یکی از بزرگ‌ترین داشته راهبردی جمهوری اسلامی محسوب می‌شود.

[illegible]

فروردین ۱۳۵۷: وضعیت داخلی و رژیم صهیونیستی

دولت اتنارفی و شکستنده تفالسی بنیت بهادیل، سیاست‌های سرکوب علیه فلسطینی‌ها و اجرای سیاست‌های افراطی و شهرک‌نشین‌پسند، با التلاف یکپارچه عربی در اسرائیل اشغالی ۱۹۶۸ به چالش برخود کرده و با استغاضی کبی غنوخ از صهیونیست‌ها، سرکار، در مزمز فروپاشی التلاف حکومتی قرار گرفته و تنها با ۶ کرسی، قادر به هیچ تصمیم درمندی برای آینده نیست که حداقل با ۶۱ کرسی در اختیار این رژیم به‌عبارت ابراهامی فلسطینی با ۶۱ کرسی در دولت اتنارفی بنیت را بر سر دوراهی انتخابات چهارم و یا متوقف کردن سیاست‌های افراطی علیه فلسطینی‌ها قرار داده است. اگرچه در مزمز برای این رژیم، حکومتی که از دو دربار دارد، بنیت‌یابی اختصار سیاسی و حکومتی که از دو سبیل قبیل، این رژیم را فرا گرفته، مجدداً بنیت سیاسی اسرائیل را حاکم و صهیونیست‌ها را حاکمیت شکل داده است چرا که جامعه صهیونیست در بین گروه‌های سیاسی،



یک حزب قدرتمند که امکان تشکیل حکومت قوی داشته باشند را ملاحظه نکرده و هر انتخابات جدید نیز سرنوشته مشابه با وضع فعلی دربر خواهد داشت. در بعد امنیتی با اشاره به رخدادها یکماه اخیر «پنج عملیات فدایی از سراسر فلسطینی‌ها در اراضی ۱۹۴۸، به نحوی بر آشفتنی و هجوم‌رود در دستگاه‌های امنیتی و توانایی آنها می‌توان بی پرده که در رسانه‌های این رژیم در همین مدت، بارها به آن اعتراف شده است. اگر رژیم صهیونیستی در ابتدای سال ۲۰۰۰، شهر جنین در شمال کرانه باختری را برای سرکوب جهان اسلام فلسطین، با خاک یکسان کرد، امروز

[illegible]

صفحه ۷

یکشنبه ۱۸ اردیبهشت ۱۴۰۱
۶ سوال ۱۴۴۳ - شماره ۲۳۰۱۷

به اقدام از ارزش فراوانی برخوردار است: یعنی یکی از این دو مفروض به جامعه و یکی دیگر به اراده رهبران برمی گردد که این‌ها هر دو از داشته‌های راهبردی جمهوری اسلامی ایران محسوب می‌شوند. رهبران انقلاب فراموند که شکست متفرضانه سیاست فشار حداکثری - که کجای متفرضانه به توسط خود آمریکایی‌ها و مقامات رسمی آمریکایی‌ها بارها تکرار شده- را به صورت متواضعانه به ملت ایران نسبت دادند که عامل این شکست مقاومت ملت ایران بود. میدان اراده رهبران ایران از نظر طراحان غریبی در این کشور بسیار مهم است؛ یعنی در کنار ظرفیت‌های اقتصادی، سبک رهبری نقش مهمی در شکست سیاست فشار حداکثری دارد که البته ایشان متواضعانه آن را به دست خود دانستند. اما غریبی‌ها به متوجه می‌شوند و باید همه در داخل کشور متوجه باشند.

یکی دیگر از ابعاد شکست سیاست فشار حداکثری این بود که آمریکا به‌ای غم‌ناک تلاش‌های گسترده‌ای که داشتند، می‌خواستند تنهایی منطقه‌ای و به‌ویژه اصلی و جمیع جهانی برای مقابله فعال با ایران را شکل دهند، اما آن را به‌صورت تبادلی در قالب ناتو و گروه‌های مطرح می‌کردند. زمان که منافع آن‌ها در منطقه‌ای مختلف و در سطح منطقه با چالش مواجه شد، هیچ‌کدام از کشورهای منطقه علی‌رغم دریافت تسلیحات و حمایت سیاسی غرب و تسلیحات بسیار گران‌قیمت، حاضر نشدند در این التلاقی علیه ایران اقدام کنند. در واقع، جرئت اقدام نداشتند. نشانه اولیه و اصلی شکست سیاست فشار حداکثری این بود که در اوج فشار همه‌جانبه دولت ترامپ هیچ‌کدام از مستقمن منطقه‌ای آمریکا جرئت نکردند علیه ایران اقدام انجام دهند.

این است که سیاست فشار حداکثری آمریکایی‌ها به چهار شکست قطعی شده است و در این مسیر دو مولفه اراده و سبک سیاسی رهبران ایران و مقاومت و ایستادگی ملت نقش اساسی در تحقق موضوع مذکور را داشته است.

کشورهای غربی، دارای نشانه‌های بحران و دشواری‌های اقتصادی است که به دلیل سیاست‌های زایدپرستانه علیه فلسطینی‌ها، این دشواری و بحران در نازل فلسطینی‌ها بیشتر است. به‌نیت سیاسی و فقدان هرگونه چشم‌انداز سیاسی برای تحقق خواسته‌های مشروع حاکمیتی فلسطینی‌ها در کنار بحران و فشار اقتصادی، شرایط انفجار و قیام جدید و نوعی جدید از مبارزه، نمایانگر افرادی را پیش‌روی صهیونیست‌ها قرار داده است. با توجه به شائبه رفتن دولت خودگردان و فقدان هرگونه خاصیت برای فلسطینی‌ها و حتی در خدمت صهیونیست‌ها بودن این دولت، از وزن و اثرگذاری دولت خودگردان به‌شدت کاسته و همین به‌نیت اقتصادی و سیاسی، ریزیک مقاومت را با استقبال بیشتری روبرو کرده است که صهیونیست‌ها را با چالش و استی‌های جدی مواجه می‌کند.

اگر در گذشته، شکاف بین گروه‌های فلسطینی، از جمله معنای و کاسته شدن از طرف مجاز و مقاومت و ضعف و بهانه‌های رشتن اکران برای اخوانی در منطقه و کنار رفتن نقش از چهره اردوغان که برای سامان دادن به اوضاع خود، فلسطینی‌ها را در مناسبات با اسرائیل و اخوان یمن را در بازسازی مناسبات با امارات و عربستان فروخته است، موجب می‌شود تا گروه‌های خالص مقاومتی به رویکردهای ایران و حزب‌الله نزدیک‌تر و همگرایی بین گروه‌های فلسطینی در مبارزه با صهیونیست‌ها افزایش دهد.

قابل ذکر است که یکی از میراث‌های گرامر قرآن متضمن اقدامات گوناگون شهید حجاج مسعود سلیمانی، بر کثرت و قدرت تفکر و اندیشه و به تعبیر عام‌تر، عظیم‌ترین میراث فکری، پر کردن شکاف مقاومت فلسطینی، شبکه‌ای کردن و پیوند تکاملی در بین گروه‌های مقاومت منطقه‌ای بود. امروزه گروه‌های مقاومت در شرایط جازاز یکدیگر و بدون هرمندی - حمایت راهبردی بقیه گروه‌های مقاومت در مقابل جبهه استیکبار و صهیونیسم قرار ندارند و با هوشمندی از یکدیگر حمایت می‌کنند. این پدیده تکاملی، سطح جدیدی از موازنه قدرت و تبدیل مقاومت کشورها، به جایگاهی منطقه‌ای را رقم زده است. مقاومت فلسطینی و فلسطین از نظر راز و خرد و جزاالله از همین - این جبهه حمایت راهبردی دارند که نمادی از یک فرهنگ راهبردهی نوآزمایی ولی با یک نظام واحد منطقه‌ای است که هر یک قابلیت‌های مستقل و راهبردی را در اختیار دارند. این را کلیدواژه‌های راهبردی برای مقاومت در رفتار شبکه‌ای، توسط سیدحسن نصرالله بیان شد و «معادله حمله به بیت‌المقدس مساوی جنگ نیست» می‌گردد. این یک گردید. این معادله‌ای حاصل به لاوید و در حالت شهنشروان فلسطینی و امثال آن نیز در حال تثبیت شده هستند.

روبه زوال رژیم صهیونیستی تا ۱۳۹۷ خ
اگر صهیونیست‌ها در جنگ ۱۹۶۷، تمامی فلسطین، مقدس شرقی و جولان و سینا را به اشتغال آورده و به یک میلیون آواره فلسطینی در منطقه پراکنده کرده و یک میلیون آواره فلسطینی به جای انگشتاند سر مست پیروزی و تحقق اسرائیل کبری بودند، انقلاب اسلامی در سال ۱۳۹۶، معادله مایوس شده در فلسطین را معکوس و جان نازاری را مقاومت و روبریکر گروه‌های فلسطینی جدید و جنبش‌های مقاومت را بروریکر داده و انقلابی را به پا کردی نمود. اولین بارقه شکست‌پذیری را به فرار اسرائیل از جنوب لبنان در سال ۲۰۰۰ در ذهن فرماندهان و شهر کنش‌پسای صهیونیست‌ها در سرگشت و در بزرگ‌ترین رخداد تاریخ صهیونیست‌ها در سال ۲۰۰۶، رویای بن‌گورین برای اسرائیل کبری دفن و صهیونیستی وارد فاز استعمار کنکست و فرمایش گردید. این در حالی است که مقاومت هر روز قدرتمندتر و باکامیاب‌تر و پراکنده‌تر می‌شود.

جنگ صهیونیست‌ها علیه غزه ثبت شده است که از پنج مرحله جدید رول بازی صهیونیست‌ها پس از پنج جنگ صهیونیست‌ها علیه غزه ثبت شده است که در هر جنگ، مقامات توانمندتر و قدرتمندتر و دست‌پراستر صهیونیست‌ها تا ناوگان تر و صعیف‌تر دشمنان، افراد دیگری صهیونیست‌ها برای افسطینی و مقامات امروزی اسرائیل نمی‌کنند، بلکه مقاومت به جای حلیج در مقابل اعرافش قهر بر سران صهیونیستی، مقامات قدس در مقابل جنگ استقامتی را تحریک می‌کند، در دهها سند و نوشته‌های امنیتی و استازلی از سوی صهیونیست‌ها، بارها به توانمندی در مقابل حزب‌الله اعراف کرده‌اند و امروز نیز با توصیه زلال ماموس بادین، از دگرگی باز غزه به‌عزیز اسرائیل و با اتلافی برای از تنش صهیونیست‌ها توصیف می‌کنند. در مقابل منطقه‌ای تن، صهیونیست‌ها به‌کوهی می‌نهند که جمهوری اسرائیل از این ریزم عبور کرده و در تراز قدرت‌های شرق جهانی و توانمندی‌ها و اراده و استازلی‌های خود را اعراف کرده است.

منع: سات بصرت